

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۶۲

۱۳۹۵ / ۰۵ / ۰۴



■ دعاهایی برای پناه بردن به خداوند از شیطان

۱. دعای هفدهم

۲. دعای بیست و پنجم

■ جمع تلاش و توکل

■ والدین باید فرزندان خود را به خداوند بسپارند

■ ارزش اشک

■ مؤمن فقط فرزندش را در نظر نمی‌گیرد

■ خدایا به تو پناه می‌برم از شیطانی که...

## دعاهایی برای پناه بردن به خداوند از شیطان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمند

### ۱. دعای هفدهم

علاوه بر دعای هشتم، در دعای هفدهم صحیفه‌ی مبارکه، مسئله پناه بردن به خداوند از شیطان نیز مطرح شده؛ متنها آن دعا به صورت یک پارچه درباره شیطان و پناهندگی به حضرت حق از دشمنی شیطان است. عنوان آن دعا چنین است: «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذَكَرَ الشَّيْطَانَ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَ مِنْ عِدَاوَتِهِ وَ كَيْدِهِ». متن دعا قابل ملاحظه است و حدود چهار صفحه را در بر می‌گیرد.

در متن دعای هفدهم، شیطان

موضوع بحث ما در صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجادیه به این جمله رسید که از غلبه‌ی شیطان به خدا پناه ببریم. ما در دو جلسه‌ی گذشته در مورد ماهیت شیطان و دشمنی او و نیز درباره‌ی سیاست‌های اجرایی و مدل عملیات شیطان علیه انسان یا راه‌های غلبه و استحواض شیطان مطالبی را عرض کردیم. همچنین درباره اینکه چگونه انسان خودش را نجات دهد، به طور فشرده مطالبی مطرح شد.

و ماهیت و کید و نحوه عمل و مدل نجات از دست او تفصیلاً مطرح شده است که می‌تواند موضوع یک بحث مستقل قرار بگیرد که البته اکنون ما چنین قصدی نداریم؛ منتها این دعا، دعای جامعی است و نکته‌های فراوانی دارد. مثلاً در دو سه فقره‌ی اول این دعا آمده است: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَيْدِهِ وَوَمِكَائِدِهِ مَكَائِدِهِ، وَمِنْ الثَّقَفَةِ بِأَمَانِيَّتِهِ وَمَوَاعِيدِهِ وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ». بحث پناهندگی است و اینکه من به تو پناه می‌برم از وسوسه‌انگیزی و تحریک شیطان نسبت به خودم و از حيله و طراحی و مکرهای متنوع او. یکی از کارهای اصلی شیطان عبارت از برانگیختن آرزوهای بی‌حساب در انسان است؛ چنان‌که قرآن از زبان شیطان می‌فرماید: «وَلَا ضَلَّئَهُمْ وَلَا مَنِيَّتَهُمْ»؛ [۱] و آنها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم». مواعید و غرور که به معنای وعده‌ها و فریبکاری‌های او است، از جمله دام‌های او است که دائماً در مسیر ما پهن می‌کند. شیطان دائم در مسیر ما مین‌گذاری می‌کند: «وَأَنْ يُطْمَعِ نَفْسَهُ فَيَضَلَّانَا عَنْ طَاعَتِكَ»؛ اینکه شیطان به ما طمع کند و به عبارتی ما این قدر ضعیف

و غافل باشیم که شیطان در ما سنگین بیاید؛ نظیر طاعت و مکارم اخلاق و تحصیل علم و معرفت و خودشناسی. در مقابل، امیدوار باشد.

«وَأَمْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ»؛ امتهان به معنای سست کردن است، به شکلی که انسان، معصیت خدای

متعال را دست‌کم بگیرد و در برابر معصیت چنین حالی پیدا

کند. «أَوْ أَنْ يَحْسَنَ عِدْنَا مَا حَسَنَ لَنَا»؛ شیطان برای سست

کردن ما در عبادت، برخی امور را زیباسازی می‌کند و برای ما

زیبا جلوه می‌دهد. «أَوْ أَنْ يَتَّقَلَ

عَلَيْنَا مَا كَرَهُ الْإِنْسَانُ»؛ آنچه او بر ما سنگین می‌کند، طاعت خدای

متعال است. خدا نکند آنچه او به ما بد نشان می‌دهد، بر

با تو برقرار کنیم. این کار باعث می‌شود روی شیطان سیاه شود. البته از خدای متعال می‌خواهیم که: «وَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ، وَرَدْمًا مُصَمَّتًا لَا يَفْتَقَهُ» بین ما و شیطان پرده‌ای قرار ده که پاره نشود

## ۲. دعای بیست و پنجم

دعای بیست و پنجم نیز نکته‌های عالی در خصوص شیطان دارد. عنوان این دعا این است: «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِوَلَدِهِ» این دعا افق‌ها و مقاصد تربیتی را ترسیم می‌کند و اینکه پدر و مادر برای تربیت فرزندان، باید چه آفاق و اهدافی در پیش داشته باشند. برخی از سبک‌ها و

شیوه‌های تربیتی و رسالت پدر و مادر در تربیت فرزند در این دعای نورانی تعبیه شده است. قطعه‌ای که ما به آن می‌پردازیم، این است: «وَأَعِزَّنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». یکی از کارهای اساسی که پدر و مادر باید درباره‌ی فرزند انجام دهند، عبارت است از اینکه آنان را در برابر کید شیطان در محضر حق بیمه نمایند و به عبارت دیگر، به برنامه‌ریزی‌های شیطانی علیه فرزندان خود توجه داشته باشند. این مسئله در نص کلام الهی و در سیره‌ی الهی هست. در قرآن کریم، در دعا درباره‌ی مریم (سلام الله علیها) آمده است: «أَعِزُّهَا بِكَ وَ

دو معنا دارد. اولین معنای آن این است که من مضطر هستم و در این اضطرار، با تمام قلب و روح و ذهن و فکر خودم به حصن الهی می‌روم. دومین معنا عبارت از آن است که من از هیچ کوششی برای مقابله با چنین دشمنی دریغ نمی‌کنم و هر کاری که برای مقابله با دشمنی او باشد، انجام خواهم داد.

در دعا و در مقام استعاذه، بسیج تمام قوا در مقام بیداری برای مقابله با طراحی‌های شیطانی باید وجود داشته باشد؛ و الاً با گفتن صرف، اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد.

باید مضطر شوی و به میدان

ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ [۲] او و فرزندان او را از شیطان رانده‌شده به تو پناه می‌دهم». اینجا حرف زیاد است که در جای خود باید مطرح شود. اما جملاً این است که در سیاست‌های تربیتی، چه پدر و مادر و چه مربی، وظایف دارند که درباره‌ی فرزندان خود دشمن‌شناس باشند و طراحی دشمن و میزان دشمنی او و ظرفیت محبت و عشق و دل‌دادگی و نگرانی‌های خود را به میدان بیاورند، برای صیانت فرزند در برابر دشمنی‌ها و دشمنان که در رأس آنها شیطان است.

یک وقت می‌گویید: «اعوذ» یعنی خودم پناه می‌برم که این



بیایی تا دعای تو دعا شود. اول  
مرحله‌اش اضطرار است که باعث  
حالت انقطاع در انسان می‌شود.  
رکن دوم عبارت از بسیج قوا و  
به میدان آمدن است. دعایی که  
فقط لقلقه زبان باشد، به جایی  
نمی‌رسد.

من چگونه تصمیم بگیرم در  
حالی که تو قاهری و چگونه  
تصمیم نگیرم در حالی که تو  
آمری؟!  
من اگر بگویم همه‌ی قدرت‌ها  
دست تو است و همه‌ی  
تصمیم‌ها به تو برمی‌گردد و  
کنار بنشینم که مشکلی حل  
نمی‌شود؛ چراکه تو آمر هستی  
که به میدان بروم.

باز هم به خدا تکیه می‌کنیم و  
می‌گوییم: خدایا! تو مرا نجات  
بده.

حضرت سید الشهدا (علیه السلام) در  
مناجات عرفه (در بخش ضمیمه)  
می‌فرماید: خدایا! من چگونه  
عزم کنم و چگونه عزم نکنم؟!  
زمانی که به میدان می‌روی، باید  
سر تا پای تو توکل و توسل  
باشد. از آن طرف نمی‌توانی  
بگویی به میدان نمی‌روم؛ چراکه  
امر شده که به میدان بروی و  
باید توجه داشته باشی که قوا  
و توان و توشه‌ی تو، همه‌اش از

عنايت و فضل خدا است. بايد  
 به فضل حق تكيه داشته باشي  
 و اگر به زيركي و برنامه‌ريزي  
 و زكاوت خودت تكيه كني،  
 صددرصد باخته‌اي.  
 من اعتماد فقط به تو است و  
 حال كه امر كردي اين دشمن را  
 بشناسم و در برابر او برنامه‌ريزي  
 كنم، من همه‌ي اين كارها را  
 انجام مي‌دهم. اما اينكه به فكر  
 و ذكر و زيركي و هوش خودم  
 اعتماد كنم، عين خواسته‌ي  
 شيطان است.

### جمع تلاش و توکل

مشکل آدمیزاد، جمع این دو با  
 هم است و هنر مؤمن، جمع

بين عمل و توکل و توسل است.  
 غرق فقر و افتقار است و هيچ  
 اعتنا و اعتماد و توجهي به اراده و  
 عمل و تلاش خودش ندارد؛ ولي  
 در عين حال، مرد ميدان عمل و  
 اقدام ذيل نقشه‌ي حضرت حق  
 است. هنر، جمع اين دو با هم  
 است. خيلي‌ها هستند كه عامل  
 هستند، اما متوكل نيستند يا  
 برعكس، در فضاي توکل و توسل  
 هستند، اما عامل نيستند.

عرضه‌ي افتقار و بيچارگي در  
 پيشگاه حضرت حق، خودش،  
 بندگي است. من عزم مي‌كنم  
 و تمام توان و قواي فكري و  
 رواني و جوارحي خود را به  
 ميدان مي‌آورم، اما وقتي كه

وسط میدان مبارزه هستم، یک هم خودم پناهنده هستم و هم سر سوزن، به فکر و ذکر و برنامه‌ریزی خودم اعتماد ندارم و تو آوردم.

من در مقام تربیت فرزندم فقط به تو اعتماد دارم. این جمع را جمع سالم نامگذاری می‌کنند. تمام توان خودم را به میدان جمع سالم، جمع بین عمل و می‌آورم و برای اینکه او گرفتار شیطان جن و انس نشود، همه‌ی تو انایی‌های خود را به میدان می‌آورم؛ زیرا طراحی‌های شیطان را می‌بینم. پدر و مادر حواسشان

باید جمع باشد که الان شیطان برای از راه به در بردن فرزندشان چه طراحی‌هایی دارد؛ اما قله‌ی تلاش آنها این است که فرزند را به حصن الهی ببرند و ابراز افتقار و اضطراب در پیشگاه حق داشته باشند. باید وظیفه‌ی خود

## والدین باید فرزندان خود را به خداوند بسپارند

اعوذ یعنی من پناه می‌برم؛ اما اعیند یعنی من کسی را در پناه تو قرار می‌دهم. حال پدر و مادر و مرشد و مربی و هادی چنین حالی است و حال همه‌ی انبیا و اولیا و پدر و مادرهای صالح نیز؛ که می‌گویند: من،

را در مقام پدر، معلم یا مربی انجام دهند و غفلت‌زدایی و انتباه ایجاد کنند اما در انتها، کاری از آن‌ها ساخته نیست.

در دعای ۲۵، حضرت از همین نقطه شروع می‌کنند؛ یعنی از جایی که تو به عنوان یک وظیفه‌ی عمومی، سعی می‌کنی سیانت برای همه را درخواست کنی و چون می‌فهمی که شیطان چقدر خطرناک است، برای آنها هم دعا و تقاضای پناهندگی می‌کنی.

می‌شود. سلاح ما دعا و گریه است. گریه، قله‌ی تمنای قلبی و اضطراب است. هیچ روزی و شبی بر شما نگذرد، مگر آنکه گریه کرده باشید و اگر روز و شبی بدون اشک بر شما رفت، بدانید که آن را از دست داده‌اید. پیامبر عزیز ما هیچ نمازی نخواند، مگر آنکه در آن گریه کرد. آن‌طور که از ما ساخته نیست، ولی حداقل قطره اشکی بریزیم. در دعای ابوحمزه ثمالی می‌گوییم: «وَمَا لِي لَا أُبْكِي»؛ چرا گریه نکنم، باید گریه کنم. اگر به حال خودت گریه نکنی، خیلی بی‌عرضه هستی؛ چراکه کسی که به تو اشک داده، برای تو امان قرار داده

## ارزش اشک

دعای ما اگر حقیقی باشد، مهم‌ترین اقدام ما محسوب

است. این حالت اضطرار و بکاء تو، تو را در پرده‌ی عصمت و در پناه می‌برد. «تا نگرید کودک حلوافروش، دیگ بخشایش نمی‌آید به جوش».[۳]

پدر و مادرها مخصوصاً آنها که دختر دارند، این را خوب می‌فهمند. دختر وقتی گریه می‌کند، قلب پدر ذوب می‌شود و گاهی انسان از دست می‌رود. گریه دختر برای پدر خیلی سخت است و آن لحظه می‌خواهد هر کاری بکند تا دخترش راضی شود. چه این دختر، کوچک باشد و چه بزرگ. نقطه ضعف پدرها همین است. در صحنه‌ی بی‌بدیل کربلا، وقتی دخت امام، جلوی امام حسین (علیه السلام) شروع به گریه کرد، حضرت متوقف شد.

در روز سهمی برای گریه بگذارید و شب هم همین‌طور و بیشتر سهم را برای شب بگذارید و به حال خود گریه کنید و بسوزید.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه خطاب به امام حسن (علیه السلام) فرمودند: داشتیم به خودم فکر می‌کردم و به اینکه باید به کار خودم رسیدگی کنم، ولی دیدم تو جلوی منی و اول این‌طور به نظر رسید که تو بخشی از وجود من هستی، ولی بعد دیدم که تو کل وجود من هستی. «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ

وَجَدْتُكَ كُفِّيًّا».

نسلی را در پناه خدا می‌آورد.

امام سجاد (علیه السلام) به شما یاد

دادند که در پیشگاه خدا بگو:

«وَعَمْرِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلَّةٍ

فِي طَاعَتِكَ»؛ تا عمر من در

راه طاعت تو باشد، به من عمر

طولانی بده، اما اگر عمر من

مرتع و چراگاه شیطان شد، جان

مرا بگیر و نگذار بازیچه‌ی دست

شیطان شوم.

در مورد نسل هم همین طور

است که من این فرزند و نسل

و ذریه را در پناه تو قرار می‌دهم

تا از شر شیطان حفظ شوند و

معنای آن این است که اگر اینها

قرار است عامل شیطان باشند،

اصلاً نباشند.

## مؤمن فقط فرزندش را در نظر

### نمی‌گیرد

تا فرزند جلو می‌آید، اضطرار

تو دو یا چند برابر می‌شود و

انسان برای بچه‌های خود گریه

می‌کند. انسان مؤمن بافراست،

فقط به فرزندش نگاه نمی‌کند،

بلکه ذریه‌اش را نیز می‌بیند.

دعای او فقط برای دخترش

یا پسرش نیست، بلکه برای

یک نسل است و طراحی‌ها

و ابتکارات او هم نسلی است.

مؤمن، آینده‌گرا و آینده‌شناس

و آینده‌نگار است. مؤمن

ژرفاندیش است و یک امتداد

تدابیر تربیتی مؤمن، سطحی و بده و ذریه و نسل مرا نیز از مقطعی نیست؛ بلکه عمیق و دارای امتداد نسلی و ناظر به آینده است. امیر المؤمنین (علیه

السلام) می‌فرمایند: فرزندان خود را نه برای امروز، بلکه برای فردا تربیت کنید. یعنی به آسیب‌های فردا هم توجه داشته باشید. تدابیر باید خیلی عمیق باشد

تا منتقل شود و تدابیر سطحی، کمرنگ می‌شود و به نسل‌های بعدی منتقل نمی‌شود.

«وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا»؛

دشمنی برای ما قرار دادی که دائم در حال برنامه‌ریزی است.

«سَلَّطْتَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ»؛ سلطه‌ای برای او قرار

**خدایا به تو پناه می‌برم از**

**شیطانی که...**

«وَأَعِزَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ

الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»؛ مرا پناه

دادی که از آن جهت ما سلطه‌ای نداریم. او در سینه‌ی ما ورود دارد، در حالی که ما به سینه‌ی او ورود نداریم.

«إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيَّهَا»؛ اگر بخواهیم گناهی مرتکب شویم، ما را تشجیع می‌کند و می‌گوید به میدان برو و ترس.

«وَأَجْرِيَتُهُ مَجَارِي دِمَائِنَا»؛ هر جا که خون ما جاری است، این دشمن پلید جریان دارد.

«لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا»؛ ما غافل شویم، او از ما غافل نمی‌شود. ما او را فراموش کنیم، او ما را فراموش نمی‌کند.

«وَأِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَبَطَّنَا عَنْهُ»؛ اگر بخواهیم عمل صالحی انجام دهیم، آن را این قدر بزرگ و سنگین می‌کند تا نتوانیم آن را انجام دهیم.

«إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ»؛ [۴] او و قبیله‌اش، شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید، می‌بینند.

«يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ، وَ يَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ»؛ شهوت و شبهه دو پایه‌ی عملیات شیطان است.

«يُؤْمِنُنَا عِقَابَكَ»؛ شیطان در برابر



شبهات را برای ما جلوه‌گری و تزئین می‌کند و برای ما تولید شبهه می‌کند. امیر المؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: سهمی از باطل و سهمی از حق را می‌گیرد و اینها را با یکدیگر ممزوج می‌کند و تحویل ما می‌دهد و فتنه درست می‌کند.

«اللَّهُمَّ فَاقْهَرِ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ»؛ (عنا، یعنی من و فرزندانم) خدایا! سلطنت او را با قدرت خودت مه‌خور کن و او را در برابر بچه‌های من تضعیف کن.

«حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ»؛ ما با دعای فراوان به درگاه تو موفق می‌شویم او را حبس کنیم. دعای حقیقی، حبس الشیطان را در پی دارد.

«فَنُضْبِحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ»؛ تا ما از شر او بگریزیم.

«وَإِلَّا تَقْنَا خَبَالَهُ يَسْتَزِلُّنَا»؛ اگر

## منابع و مأخذ

- برسیم. این فراز نیز می‌خواهد  
بگوید که خودت باید به ما  
عصمت بدهی.
- [۱]. نساء: ۱۱۹.
- کلمه‌ی کلیدی در برابر کید  
شیطان، «کثرت دعا» بود. دعای  
فراوان و حال اضطرار و گریه  
و تضرع می‌خواهد تا بتوان در  
برابر شیطان مقابله کرد. برای  
خودتان و بچه‌هایتان دعا و تمنا  
کنید و هر کاری از دست‌تان  
برمی‌آید، اعم از فکر و ذکر و  
تربیت و ابتکارات تربیتی، همه را  
به میدان آورید.







افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰  
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر